

## اسلام، ایران و اقتصاد



### ارزیابی دکتر حسن سبحانی، استاد دانشگاه تهران، در خصوص اقتصاد اسلامی و قانون اساسی

را به آن بی‌افزایند، اما بررسی‌ها نشان دادند که اسلامی کردن نظام بانکی به شرایط خاصی نیاز دارد. به همین دلیل، در نهایت به حذف ربا از نظام بانکی بسنده شد. در تعریف ربا، می‌توان اظهار داشت که اگر قرض دادن پول، با

شرط دریافت مازاد باشد، به این مازاد، ربا می‌گویند و به نظر ما این تعریف با آنچه بهره بیان می‌شود معادل است. آنچه که در حال حاضر در سیستم بانکی اتفاق می‌افتد این است که عده‌ای پول خود را به بانک می‌سپارند و بانک نیز درصدی را تحت عنوان سود تعیین می‌کند. در اینجا شرط دریافت مازاد وجود دارد که مصداق ربا است؛ حتی اگر اسم آن سود باشد. در واقع سود در مورد مشارکت مطرح است. از سوی دیگر، بانک به سپرده‌های مردم به صورت روزشمار سود می‌دهد. حال این سؤال مطرح است که کدام فعالیت اقتصادی است که سود روزشمار داشته باشد؟ چرا که یقیناً مدتی طول می‌کشد که پروژه‌ای انتخاب شده و به مرحله سوددهی برسد. تنها فعالیتی که می‌تواند به صورت روزشمار پول تولید کند و بانک هم می‌تواند بخشی از آن پول را تحت عنوان سود به سرمایه‌گذار بدهد، قرض دادن پول است. به این ترتیب که مثلاً بانک وجه سپرده را به فردی قرض داده و به زمینه فعالیت وی از وجه مزبور هم اهمیتی ندهد. از سوی دیگر، این سؤال به وجود می‌آید که چرا هم رکود حاکم است و هم تجارت پول در بانک‌ها رونق دارد؟ در حالی که اگر بانکداری بدون ربا به درستی اجرا شود باید بین گسترش بانک‌های خصوصی و رونق در اقتصاد کشور رابطه مستقیم ایجاد می‌شد.

### کارایی و عدالت

در اقتصاد تولید کارا به این معنی است که با حداقل منابع، حداکثر تولید صورت گیرد و یا تولید معینی با حداقل هزینه انجام شود. در دین ممکن است لفظ کارایی نیامده باشد، اما از رونایی که منجر به کارایی می‌شود، دفاع شده است. در عمل به دلیل ساختارهای عقب افتاده و توسعه نیافته، لحاظ کردن کارایی امکان پذیر نیست. به عنوان مثال در ایران هیچ کس مخالف افزایش کارایی بنگاه‌های اقتصادی نیست. اما معمولاً بنگاه‌ها ناکارآمد هستند. این موضوع ربطی به آموزه‌های دینی ندارد، کارایی محصول توسعه یافتگی جوامع است. اگر ساختارها اجازه بدهند، بین عدالت و کارایی مغایرتی وجود ندارد، چرا که این دو یک هدف را دنبال می‌کنند. اما در اجرا ممکن است به دلیل ساختارهای عقب افتاده، بحث کارایی مغفول واقع شود. مثلاً پس از خصوصی سازی به دلیل حفظ اشتغال، نیروی ناکارآمد در سر جای خود باقی می‌ماند که البته اشکالات موجود به ساختارهای غلط برمی‌گردد و ارتباطی به اسلام ندارد.

در پایان باید توجه داشت که نظام اقتصادی قانون اساسی برای این مرحله از اقتصاد کشور، نظام بسیار خوبی است. نظریه جدیدی در علم توسعه مطرح است که می‌گوید اگر نیازهای اساسی انسان‌ها تأمین شوند، انسان‌های برخوردار شده از فرصت‌های یکسان، خودشان عدالت را تأمین می‌کنند. در این زمینه الگوی اقتصادی قانون اساسی به این نظریه بسیار نزدیک بوده و راهکار مناسبی برای حرکت در مسیر اقتصاد اسلامی است؛ به شرطی که قانون اساسی را بیشتر باور کنیم. ■

یکی از مسائلی که باید در ارتباط با نظام اقتصادی کشور بدان اشاره کرد، آن است که ساختار نظام اقتصادی فعلی ایران، مبتنی بر مبانی اقتصاد اسلامی شکل نگرفته است. معیار سنجش این ادعا، قانون اساسی به عنوان یک قانون مورد وفاق است. نگاهی به مفاد این قانون نشان می‌دهد که نظام اقتصادی حاکم بر کشور ما با اصول قانون اساسی انطباق ندارد و چون فرض بر آن است که قانون اساسی بر مبانی اصول اسلامی شکل گرفته، می‌توان این طور نتیجه گرفت که اقتصاد کشور آنچنان مبتنی بر اقتصاد اسلامی نیست.

دلایل زیادی می‌توان برای این موضوع ذکر کرد. به طور مثال، اصل ۴۴ که در راستای تأسیس یک نظام اقتصادی مشخص می‌باشد، در عمل محقق نشده است. همچنین در مورد اصل ۴۳ که در آن مشخصات نظام اقتصادی جمهوری اسلامی تعیین شده و یا در مورد اصل ۴۵ که انفال و نحوه استفاده از درآمدهای آنها را معین کرده است، همیشه شاهد انحرافات هستیم. چنین مواردی نشان می‌دهند که اقتصاد جمهوری اسلامی چندان به دنبال پیاده کردن اصول اقتصادی قانون اساسی نبوده است.

توجه به این نکته ضروری است که اگر چه دین حاوی مبانی اقتصادی است، اما خیلی اصرار ندارد که اجزای یک نظام اقتصادی را تعریف کند. در واقع، نظام اقتصادی به معنی ساز و کار مدیریت اقتصاد است. آنچه که دین بر آن تأکید دارد این است که مبانی حفظ شوند، ولی ساز و کارها و نحوه مدیریت با گذر ایام و تغییراتی که در شیوه تولید و تکنولوژی پیش می‌آید تطبیق یابند. مواردی مانند خصوصی سازی هم به مبانی متغیر نظام اقتصادی برمی‌گردد. اسلام به عنوان یک اصل با انحصار مخالف است، اما آنچه ما با آن روبه‌رو هستیم نحوه خروج از این انحصار و رسیدن به اهدافی نظیر کارایی، رقابت و امثالهم می‌باشد که البته میزان تحقق این اهداف به ساختار نظام اقتصادی برمی‌گردد. پیش‌تر و در حین تدوین قانون مربوط به سیاست‌های اصل ۴۴ تأکید شده بود که اقتصاد ایران، ساختارهای آماده‌ای برای خصوصی سازی وسیع ندارد. به عبارت دیگر، به استثنای مواردی خاص، در کشور بخش خصوصی مولد و ریسک‌پذیری وجود ندارد. بر این اساس، تصمیمی که برای خصوصی سازی گرفته شده، مبتنی بر واقعیت‌های اقتصادی کشور نبوده و به همین دلیل تا حدود زیادی با شکست مواجه شده است.

### مردم و اقتصاد اسلامی

در اسلام، اقتصاد کلیدی‌ترین نقش را ایفا می‌کند و هدف آن است که مردم از امکانات لازم برخوردار گردند. از این رو، اقتصاد فعلی ایران باید بیشتر به دنبال اجرای بند الف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ باشد. در این بند به ایجاد بنگاه‌ها، کارخانه‌ها و تولید محصولات توجه شده که تاکنون به دلایل مختلف کسی اجازه ورود به آنها نداشته است. این کار سبب می‌شود مردم نتوانند به تدریج روی پای خود بایستند. بنابراین تقویت بخش خصوصی در قالب بند الف، بیش از واگذاری‌های بند ج حایز اهمیت است و این موضوع با مبانی دینی هم سازگارتر است. به ویژه آن که برخی از واحدهایی که قرار است واگذار شوند، در حال حاضر خوب کار می‌کنند. متأسفانه سیاست‌های فعلی چندان در راستای ارتقای نقش و جایگاه مردم در قالب یک نظام اقتصادی حرکت نمی‌کنند.

### بانکداری ربوی؟!

قانونی که برای نظام بانکی کشور وجود دارد، قانون "بانکداری بدون ربا" نامگذاری شده است. در همان زمان که این قانون در دست بررسی بود، عده‌ای می‌خواستند اسلامی بودن